

## بررسی تاثیر عامل دفع کننده روستایی (اصلاحات ارضی) و جذب کننده شهری در مهاجرت ایران

پرویز نصیرخانی\*

### مقدمه

در نظام سرمایه داری جهانی، اساساً گسترش سرمایه‌ها، متضمن بلعیدن منافع عمومی است؛ به نحوی که اکثریت از روی اجبار، جهت گذراندن زندگی خود، در خدمت اقلیتی قدرتمند قرار می‌گیرند و فرایندی به وجود می‌آید که نتیجه آن فقر هر چه بیشتر اکثریت مردم و قدرتمند شدن آن اقلیت محدود است. این پدیده‌ای نیست که با قطع رابطه و عزلت‌گزینی در گوشه جهان حل شود؛ زیرا ناشی از نیروهای اقلیت حامی داخلی است که در جهت سیاستهای بین‌المللی کشورهای مسلط حرکت می‌کنند و در داخل کشورهای در حال توسعه به گسترش بازارهای مصرفی مصنوعات خارجی و یا تولید محصولات خام کشاورزی در جهت گیری راهبرد قبل از راهبرد صنعتی شدن به افزایش سود می‌پرداختند؛ به طوری که کشورهای مسلط توسعه یافته که از نظر صنعتی و اقتصادی پیشرفته‌اند برای حفظ چرخش اقتصاد خود بالاجبار باید برای کالاهای خود بازاری تدارک ببینند و چون بازارهای داخلی خود را اشباع شده می‌یابند به کشورهای جهان سوم روی می‌آورند و با توسل به وسایل و ابزارهای متعدد فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی به تغییر گرایشهای مذهبی و مصرفی مردم مبادرت کرده، الگوی مصرفی را به نحوی تغییر می‌دهند که براحتی بازارهای وسیع شهری و بتدریج روستایی، خواهان کالاهای مصرفی و غذایی و کشاورزی نظام سرمایه داری می‌شوند.

مسأله فروپاشی و تخریب کشاورزی ایران و اصولاً ساختار اقتصادی وابسته پیش از انقلاب را می‌توان از کودتای ۲۸ مرداد مورد بررسی قرار داد. تحولات اقتصادی که در طی سه دهه ۱۳۳۵-۱۳۴۵، ۱۳۴۵-۱۳۵۵ و ۱۳۵۵-۱۳۶۵ رخ داده است، نشان می‌دهد که برخی عوامل اقتصادی متأثر از سیاستهای دولتمردان پیش از انقلاب، در راستای تقسیم بین المللی کار و تحت تاثیر روابط کشورهای توسعه یافته صنعتی (مرکز) با کشورهای در حال توسعه (مانند ایران) پیرامون شکل می‌گرفته است.

پس از انقلاب اسلامی، زحمات و توجهات دولتمردان انقلاب اسلامی به سوی محور کردن وابستگی اقتصادی به کشورهای توسعه یافته و همچنین رشد و ترقی کشاورزی معطوف بوده، اما به علت مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی، هزینه جنگ تحمیلی و کاهش درآمدهای نفت در سال ۱۳۶۵، توفیقی چندان نیافته است. تمام رخدادهای و تحولات اقتصادی که در طول تاریخ پس از کودتای ۱۳۳۲ به وقوع پیوست و وجود عوامل دفع کننده روستایی<sup>(۱)</sup> و جذب کننده شهری<sup>(۲)</sup>، باعث شد شکاف بین مناطق شهری و روستایی یا شکاف بخشی، افزایش یابد و همه این مسائل در راستای سیاستهای اقتصادی دیکته شده مرکز بود. به دنبال آن نیروی کار ارزان که از شرایط لازم برای صنایع است. از بخش کشاورزی تأمین شد. علاوه بر این پایین بودن میزان سرمایه گذاری دولت در قالب برنامه های عمرانی اول تا چهارم در بخش کشاورزی، و نامتناسب بودن تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی بین بخشهای اقتصادی، موجب رشد نامتوازن بخشها گردید. از طرف دیگر، با افزایش درآمدهای نفتی و افزایش اعتبارات دولت<sup>(۳)</sup> هیچگونه افزایشی در سرمایه گذاری در بخش اقتصادی کشاورزی صورت نگرفت. افزایش اشتغال در شهرها و بخشهای اقتصادی صنعت، بویژه صنعت نفت موجبات افزایش تقاضا را فراهم ساخت. فقدان ارتباط بین بخشهای پیشین و پسین (کشاورزی و صنعت) موجب شد که این دو بخش به صورت مکمل یکدیگر عمل نکنند و

1- Rural Push Factors

2- Urban Pull Factors

۳- اعتبارات دولت در قالب برنامه پنجم پنجساله عمرانی، با افزایش درآمدهای نفتی مورد تجدید نظر قرار گرفت و از مبلغ ۵۶۸ میلیارد ریال در برنامه چهارم به ۶۲۴۱ میلیارد ریال افزایش یافت.

علی رغم رشد فزاینده اشتغال و تقاضا، همواره نیاز شدید به واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی وجود داشت.<sup>(۱)</sup> تمام این مسائل بعلاوه عوامل دفع کننده روستایی که در قسمتهای بعدی این گزارش بدان خواهیم پرداخت - و در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۵۰ شکل گرفت - و همچنین عوامل جذب کننده شهری، باعث مهاجرت نیروی کار غیر ماهر روستایی شد. این نیروی کار، جذب خدمات غیر مولد و ساختمانی گردید و در نهایت به تخلیه روستاهای ایران و تخریب کشاورزی انجامید. تا کنون به مهاجرت به عنوان یک پدیده برهم زننده تعادل بین بخشهای اقتصادی (بویژه بخش صنعت و کشاورزی) پرداختیم، وضعیتی که در اکثر کشورهای در حال توسعه رخ داده است. البته این سیاستها از اجرای سیاستهای کشورهای توسعه یافته برای صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه پیرامون و بدون توجه به ساختار وابسته اقتصادی ناشی می شود؛ زیرا پدیده مهاجرت در کشورهای توسعه یافته، به خودی خود یک پدیده تعادلی است و به عنوان واکنش طبیعی به رشد متوازن بخشهای اقتصادی مکمل صنعت و کشاورزی انجام می پذیرد؛ از این رو نه تنها باعث تشدید دوگانگی بین بخشها نمی شود، بلکه به رشد کمی و کیفی بخشهای صنعت و کشاورزی کمک می کند. بنابراین، ضروری است از بین مدل های متعدد اقتصادی تبیین کننده علل مهاجرت، به مدل های زیر توجه و مدل مناسب را انتخاب کنیم: مدل مهاجرت روستا به شهر لوئیس؛ مدل مهاجرت تودارو (۱۹۶۹)؛ مدل مهاجرت استگتینز و مدل مهاجرت هریس - تودارو (مدلی که با توجه به ساختار اقتصادی ایران، در بین مدل های فوق بهترین و بیشترین کارایی را دارد). براساس ساختار اقتصادی وابسته ایران باید مدل هریس - تودارو را تعدیل کنیم و متغیرهای مهمی را که در قالب عوامل دو گانه دفع کننده روستایی و جذب کننده شهری، بهترین توضیح را ارائه می دهند، بدان بیفزاییم تا به بهترین مدل اقتصاد سنجی دست یابیم.

عوامل اقتصادی مهاجرت که در چهارچوب مدل پیشنهادی بدانها خواهیم پرداخت به دو بخش تقسیم می شوند:

۱- برای آگاهی بیشتر می توانید به جدول واردات و صادرات محصولات کشاورزی مراجعه کنید.

### الف) عوامل دفع کننده روستایی

در طول سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰ اصلاحات ارضی، براساس تجربه کشورهای در حال توسعه مثل چین، در ایران اجرا شد، اما ناتوانی در حل مسأله مالکیت اراضی، تشدید بی عدالتی در توزیع زمین و تمرکز بیش از ۸۰ درصد زمینها در دست عدهای قلیل، در اواخر سالهای اصلاحات ارضی باعث شد اکثریت قریب به اتفاق دهقانانی که کمتر از ۲ هکتار زمین در اختیار داشتند؛ حتی از سرمایه گذاریهای ناچیز دولت بی بهره ماندند و راهی شهرها شدند. پایین بودن قیمت محصولات عمده کشاورزی و کمبود کود و سم، مشکل استحصال آب و فقدان امکانات بهداشتی، خدماتی و زیربنایی از عوامل دفع کننده روستایی به شمار می روند. این عوامل به اختصار عبارتند از: الگوی مالکیت نادرست زمین، پایین بودن سطح درآمد روستایی، فقدان امکانات رفاهی، خدماتی، بهداشتی، آموزشی، نبود امکانات بازاریابی و بالا بودن هزینه تولید.

### ب) عوامل جذب کننده شهری

در سالهای ۱۳۵۰-۱۳۵۷ یا دوران افزایش سرسام آور ناگهانی قیمت نفت، زمینه مناسب برای سیاست صنعتی شدن (در قالب سیاستهای مرکز) فراهم آمد. با فراهم آمدن سرمایه ارزان و فراوان و سرمایه گذاریهای زیر بنایی از محل اعتبارات دولت در شهرها، همچنین مهاجرت نیروی کار غیر ماهر، ساده و ارزان روستایی - که زمینه آن توسط اصلاحات ارضی فراهم شده بود - و توسعه یافتن سرمایه داری وابسته داخلی باعث شد، بتدریج در شهرها، با صرف هزینه های هنگفت جهت سرمایه گذاریهای زیر بنایی، خدماتی، مسکن، بهداشتی و آموزشی، بازارهای متعدد و گسترده ای برای کالاهای مصرفی داخلی و خارجی به وجود آید، که تمامی عوامل فوق بر جاذبه مناطق شهری افزود.

در مدل هریس - تودارو که بر پایه دوگانگی ناشی از اختلاف درآمدهای شهری و روستایی استوار است - مهاجرت، به عنوان یک پدیده پویای برهم زننده تعادل در

کشورهای در حال توسعه مطرح است و بسیاری از اقتصاد دانان مشهور<sup>(۱)</sup> بر آن صحه گذارده‌اند. ما این مدل را در این گزارش به کار بسته‌ایم.

بر پایه ساختار اقتصادی وابسته به جای مانده از رژیم گذشته، عامل اصلی تشدید این دوگانگی را که در متغیر اولیه تأثیر بسزایی دارد (از سال ۱۳۵۰ به بعد) در این مدل وارد کرده‌ایم. اما ضروری است خاطر نشان سازیم که هدف، تحلیل واقعیتها در قالب مدل‌های اقتصادسنجی است که باید از هرگونه محو شدن در بحث تکنیکی اجتناب شود؛ اما امروزه وقت زیادی را برای اثبات تکنیکی مدل صرف می‌کنند، حال آنکه مدل یک چهارچوب علمی است که به کمک آن می‌توان واقعیات را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و براساس رابطه علی (علت و معلول) به بررسی مسائل و مشکلات پرداخت.

در قسمتهای بعد، به معرفی مدل اقتصادسنجی پیشنهادی ایران پرداخته می‌شود و در بخش سوم، به تخمین مدل اقتصادسنجی در طی دو دهه، از ۱۳۳۵-۱۳۵۵ می‌پردازیم و آزمون صحت مدل و متغیرهای مجازی را می‌آوریم. در ادامه بحث بخش دوم، به پیش بینی مهاجرت در دهه سوم ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و در انتهای بحث به ارائه پیشنهادات خواهیم پرداخت.

گرچه هر گزارش تحقیقی عاری از نقص و لغزش نیست، اما با توجه به این سخن امام (س) که باید خودمان را باور داشته باشیم، آنگاه که خودمان را باور داشته باشیم، می‌توانیم کشورمان را به استقلال اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی برسانیم، قدم پیش نهاده و به این کار تحقیقی دست زده‌ایم.

### بررسی و تجزیه تحلیل ساختار اقتصادی ایران

نتایج حاصل از تخمین مدل هریس - تودارو - که برای ایران تعمیم داده شده - اساساً نشان دهنده تأثیر عوامل دفع کننده روستایی و جذب کننده شهری در مهاجرت است.<sup>(۲)</sup> به طور کلی همه این عوامل ناشی از سیاستهای اقتصادی نادرست دولت رژیم

۱- پرفسور خان، سوامونسون، هاربرگر و سایرین به فهرست منابع آخر گزارش مراجعه شود.

۲- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید: نصیرخانی، پرویز؛ "بررسی تأثیر برخی از علل اقتصادی در مهاجرت

۱۳۷۰، مدل هریس - تودارو، دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه فوق لیسانس اقتصاد، بهمن ۱۳۷۰

گذشته بوده است، البته تمامی سیاستهای مزبور که در جامه اعتبارات تخصیصی به بخشهای اقتصادی ظاهر می گردیده، در نهایت ناشی از راهبردهای القایی از سوی کشورهای توسعه یافته مرکز بوده است و با القای سیاستهایی چون توسعه کشاورزی، بیشتر سعی داشتند محصولات مورد نیاز صنایع خود را تأمین کنند. با تراکم سرمایه در تولید انبوه، صنایع، خود بر فکر یافتن محلی مناسب برای انتقال سرمایه ها و همچنین بازاری گسترده بودند. از این رو تجربه کشورهای دیگر همانند چین در زمینه اصلاحات ارضی در ایران نیز اعمال شد. حاصل اجرای اصلاحات ارضی - همانگونه که در بخش پیشین بدان اشاره شد - تشدید وابستگی ساختار اقتصادی ایران از یک سو و تقویت سرمایه داری وابسته داخلی از سوی دیگر بود، حال آنکه این اقدامات در قالب اعتبارات تخصیصی داده شده با عنوان توسعه کشاورزی، انجام می شد. با مراجعه به جدول ۱-۱ می توان سیر تغییر میزان اعتبارات تخصیص به نام کشاورزی را دید که تنها باعث رشد روز افزون مالکان بزرگ و سرمایه داران وابسته داخلی شد:

جدول ۱-۱. روند اعتبارات تخصیصی به بخشهای اقتصادی در برنامه های عمرانی اول تا چهارم

برنامه فصل	برنامه اول ۱۳۲۲-۱۳۲۷	برنامه دوم ۱۳۲۴-۱۳۲۹	برنامه سوم ۱۳۳۰-۱۳۳۵	برنامه چهارم ۱۳۳۶-۱۳۴۱
کشاورزی و آبیاری	۲۰/۵	۳۱	۲۱/۵	۱۳/۵
امور زیر بنایی	۳۸/۱	۳۹/۸	۳۴/۵	-
صنایع و معادن	۳۸	۱۱/۸	۱۲/۳	۲۰/۶
نفت	۳۶	-	۱۵/۸	۵/۲

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، خلاصه تجدید نظر شده برنامه عمرانی پنجم، تهران، ۱۳۵۴.

اعتبارات تخصیصی به کشاورزی و آبیاری در برنامه های عمرانی اول تا چهارم از رقمی بسیار بالا برخوردار بوده است، در حالی که می بینیم امور زیربنایی همانند سد سازی، راهسازی، احداث ساختمان و عمران شهری، بیش از یک سوم اعتبارات عمرانی را به خود اختصاص داده اند که این امر نشان دهنده این است که سیاستهای دولت همگی در راستای ایجاد زمینه برای احداث صنایع در شهرها بوده است. مالکان بزرگ، بخش بسیار عمده ای از زمینهای زراعی، یعنی حدود ۸۰ درصد قطعات اراضی بیش از ۵ هکتار

را در اختیار داشته‌اند، و اعتباراتی که به بخش کشاورزی تخصیص داده شده، از طریق این مالکان که در شهرها ساکنند، به مناطق شهری انتقال یافته است.

### عوامل دفع کننده روستایی

عوامل دفع کننده روستایی از سالهای پس از کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ بتدریج شکل گرفت و با اجرای اصلاحات ارضی به سال ۱۳۴۱، شدت یافت.

علت یابی پدیده های اقتصادی و اجتماعی، شناسایی و بررسی بستر آن پدیده را در چهارچوب مشکل زمانی ایجاب می‌کند؛ از این رو، بررسی عوامل دفع کننده در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۰ را مد نظر قرار خواهیم داد.

قسمت عمده بحث درباره عوامل دفع کننده روستایی را در بخشهای الگوی مالکیت ارضی و نحوه توزیع آن و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و بالاخره روند واردات محصولات کشاورزی پی می‌گیریم.

### الف) الگوی توزیع زمین و مالکیت ارضی

پس از کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ و با بر سرکار آمدن رژیم دست نشانده، دولت جدید مجری تمامی سیاستهای طرح شده توسط کارشناسان آمریکایی بود. برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴) مصداق کامل این سخن است. زاهدی اولیه‌ای که در سالهای پس از انقلاب صنعتی بر ذمه کشورهای در حال توسعه پیزامون، گذارده شده بود، تولید محصولات کشاورزی و نهاده های صنعتی کشاورزی مورد نیاز صنایع پیشرونده کشورهای مزبور بود.

ایران یکی از کشورهای وابسته بود که سرعت در این جهت گام بر می‌داشت و وابستگی سرمایه داران و مالکان عمده زمینها بر شدت این حرکت می‌افزود.

تجربه اجرای اصلاحات ارضی در کشورهای در حال توسعه مانند چین - که موفقیت آمیز هم بود - همچنین رشد میزان تولید محصولات کشاورزی در کشورهای پیرامون، کشورهای مرکز را بر آن داشت تا در چهارچوب تقسیم بین‌المللی کار، اصلاحات ارضی را در کشورهایی همچون ایران به اجرا در آورند.

اصلاحات ارضی در ایران، هیچ بهبودی در توزیع عادلانه اراضی و اصلاح ساختار الگوی مالکیت اراضی به نفع طبقه زمینداران کمتر از ۲ هکتار و طبقه بی زمین ایجاد نکرد؛ به طوری که براساس سرشماریهای کشاورزی ایران که در جدول ۱-۳ آمده است، برای سالهای ۱۳۳۹ (قبل از اصلاحات ارضی) و پس از آن (۱۳۵۲) از میزان بهره برداران کم زمین و بدون زمین کاسته نشد و همچنان بیش از نیمی از روستاییان را زارعین بدون زمین یا کم زمین تشکیل می دادند.

جدول ۱-۲ مقایسه مالکیت اراضی قبل و پس از اجرای اصلاحات ارضی در ایران

۱۳۵۲	۱۳۳۹	طبقات بهره بردار
%۵۲/۴	%۵۵	بدون زمین و کم زمین
%۱۸/۱	%۲۰/۸	۲-۵ هکتار
%۱۴/۳	%۱۰/۵	۵-۱۰ هکتار
%۱۴/۳	%۱۳/۲	۱۰-۱۵ هکتار
%۰/۹	%۰/۵	۵۰ به بالا

مأخذ: وزارت کشاورزی

در سالهای پس از اصلاحات ارضی، توزیع اراضی بین طبقات بهره بردار، به نفع مالکان بزرگ بود که این نکته با توجه به ارقام موجود در جدول ۱-۳ روشن است:

جدول ۱-۳ بهره برداران و وسعت اراضی مورد بهره برداری (به هزار هکتار)

پس از انقلاب	۱۳۵۲	۱۳۳۹	طبقات بهره بردار
۳۶۳۲ (%۲۲/۷)	۲۴۳۳	۲۱۵۲	کمتر از ۵ هکتار
۳۳۲۲ (%۲۰/۸)	۲۹۵۳	۲۴۱۲	۵ تا ۱۰ هکتار
۹۰۰۶ (%۵۶/۴)	۱۱۰۲۷	۶۸۱۸	۱۰ هکتار و بیشتر
۱۵۹۶۰	۱۶۴۱۷	۱۱۳۵۶	جمع

مأخذ: وزارت کشاورزی و عمران روستایی؛ گزارشهای وزارت کشاورزی سالهای ۵۴ و ۶۳.

نگاهی به تحول ابعاد اراضی بهره برداری کشاورزی در خلال سالهای ۱۳۳۹ - ۱۳۵۲ خود روشنگر این نکته است که تمرکز بهره برداری در طبقات بهره برداران کوچک بیشتر شده است؛ به این معنا که در ازای افزایش حدود ۲۳ درصد به وسعت اراضی کمتر از ۲ هکتار، حدود ۴۱ درصد به شمار بهره برداران این طبقه افزوده شده



است و یا در برابر ۲۲/۴ درصد افزایش اراضی بهره برداریهای ۵ تا ۱۰ هکتار، ۷۸ درصد به تعداد این طبقه افزوده شده است. به طور کلی، میزان تمرکز بهره برداران در طبقات زیر ۱۰ هکتار بیش از افزایش اراضی قابل کشت آنها و در طبقه بهره برداری ۱۰ تا ۵۰ هکتار برابر یا وسعت اراضی جدید قابل کشت آنها و در طبقه بیش از ۵۰ هکتار، کاملاً بر عکس و کمتر از افزایش اراضی قابل کشت آنها بوده است؛ به سخن دیگر، متوسط اراضی بهره برداران زیر ۱۰ هکتار کاهش، و متوسط اراضی بزرگ مالکان، افزایش داشته است.

مقایسه زمینها بین سالهای ۱۳۵۴ و پس از انقلاب نشان می‌دهد که از وسعت اراضی واحدهای بزرگ کاسته شده است؛ یعنی گرچه تعداد بهره برداران واحدهای بالای ۵۰ هکتار قبل و بعد از انقلاب اختلاف بارزی ندارند، ولی سهم عمده‌ای از اراضی واحدهای بزرگ (کمی بیش از نیمی از سهم آنها) به واحدهای کوچکتر منتقل شده است. تغییرات فوق باعث شده تا متوسط اراضی طبقات زیر ۱۰ هکتار افزایش یابد و به همین ترتیب از متوسط اراضی دایر واحدهای بزرگ کاسته شود به طوری که از حدود ۱۲۸ هکتار به ۹۰ هکتار کاهش یافته است. به این ترتیب پس از انقلاب حدود ۸۳ درصد از بهره برداران، در واحدهای کوچکتر از ۱۰ هکتار به زراعت مشغولند.

بنابراین، می‌توان تصور کرد که برای بخش بزرگی از جمعیت روستایی کشور، عامل اساسی بقا در روستا، یعنی زمین زراعی، یا وجود ندارد، یا اندازه آن به قدری کوچک است که کار کشاورزی اقتصادی نیست. مطالعات و تحقیقات انجام شده در زمینه مهاجرت در استانهای اصفهان<sup>(۱)</sup>، همدان<sup>(۲)</sup> و چهار محال و بختیاری، نشان می‌دهد که بیشتر مهاجران یا حدود ۹۰ درصد افراد بی‌زمین را خوش نشینها تشکیل می‌دهند؛ به طوری که، حدود ۴ میلیون نفر یا ۲۳ درصد از کل جمعیت روستاها را این گروه تشکیل می‌دهند. ده درصد بقیه، افرادی هستند که بین ۲-۵ هکتار زمین زراعی دارند که گستردگی خانوار، تورم و همچنین جاذبه درآمدهای بالاتر در مناطق شهری باعث می‌گردد این گروه زمینهای خود را به دلیل اقتصادی نبودن واحد بهره برداری به دیگران واگذار کنند و راهی شهرها شوند.

۱- رفعتی، همایون؛ مهاجرت و معیشت، همدان، دانشگاه بوعلی، ۱۳۵۵.

می‌توان میزان مهاجرین بالقوه را با توجه به نسبت روستاییان بی زمین و کم‌زمین (۵ هکتار و کمتر) برآورد کرد که رقمی بیش از یازده میلیون نفر می‌شود.

### سهم کشاورزی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی

مشارکت دولت و بخش خصوصی در کشاورزی، به وسیله تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی نمود پیدا می‌کند که این مسأله در جدول ۱-۴ نشان داده شده است:

جدول ۱-۴. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳ (میلیارد ریال)

سال	سهم بخش کشاورزی	سهم بخش صنعت و معدن	سهم بخش خدمات
۱۳۵۲	۳۵/۲	-	-
۱۳۵۳	۴۲/۷	-	-
۱۳۵۴	۶۵/۵	-	-
۱۳۵۵	۵۱/۳	۱۶۷/۱	۳۴۳/۸
۱۳۵۶	۴۶/۸	۱۶۹/۱	۲۹۳/۸
۱۳۵۷	۳۲/۱	۶۲/۴	۱۸۶/۹
۱۳۵۸	۲۸/۴	۴۸/۷	۱۷۱/۵
۱۳۵۹	۲۴/۵	۴۸/۵	۲۱۶/۵
۱۳۶۰	۳۵/۱	۵۷/۴	۲۲۰/۰
۱۳۶۱	۳۴/۵	۷۹/۶	۳۳۹/۹
۱۳۶۲	۶۲/۲	-	-
۱۳۶۳	۵۴/۱	-	-
۱۳۶۴	۴۵/۹	-	-
۱۳۶۵	۳۱/۴	-	-

ماخذ: بانک مرکزی ایران، شماره های مختلف گزارش سالانه تراز نامه

در سالهای پس از افزایش قیمت نفت، گرچه بر میزان درآمدهای ارزی حاصل از نفت دولت افزوده شده بود، اما به لحاظ بی توجهی به بخش کشاورزی و سیاست صنعتی شدن القایی در چهارچوب تقسیم بین المللی کار، تمام منابع مالی دولت به سوی سرمایه گذاریهای بخش خدمات و صنعت وابسته، گسیل شد.

روند رشد تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی در دوره ۵ ساله قبل از انقلاب معادل ۹/۱ درصد و در طی سالهای بعد از انقلاب حدود ۲۱/۷ درصد بوده است. رشد فزاینده در دوره پس از انقلاب، ناشی از افت شدید میزان تشکیل سرمایه طی سالهای ۵۷ و ۵۸ بوده و به میزان قبل از انقلاب رسیده است؛ به طوری که سهم بخش کشاورزی از کل تشکیل سرمایه ثابت در تفکیک بخشهای اقتصادی از ۶/۶ درصد در ۵ ساله قبل از انقلاب، به ۵/۷ درصد در سالهای بعد از انقلاب کاهش یافته است.

مقایسه بین سهم بخش کشاورزی با سایر بخشهای اقتصادی، نشان می‌دهد که همواره بخش کشاورزی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در میان بخشهای اقتصادی سهم ناچیزی داشته است.

### عوامل جذب کننده شهری

در پی اجرای اصلاحات اراضی و خاتمه آن در سال ۱۳۵۰، مهاجرت وسیع روستاییان به سبب عوامل دفع کننده روستایی و سرمایه گذاریهایی که صرف امور زیر بنایی همانند سدسازی، راهسازی و ساختمان می‌شد، نیروی کار غیر ماهر ساده، ارزان و فراوان روستایی و امکانات زیر بنایی، زمینه را برای ایجاد صنایع فراهم آورده بود. همزمانی این امر با افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ موجب گردید کشورهای توسعه یافته، برای انتقال سرمایه های متراکم شده مکانی مناسب بیابند.

ایران پس از اصلاحات اراضی با افزایش قیمت نفت و قوت یافتن سرمایه داری وابسته، آماده پذیرش صنایع وابسته مصرفی شد.

عواملی که در طی این دوران ۱۳۵۰-۱۳۵۷ باعث رشد فزاینده مهاجرت روستا به شهر شد، تخریب هر چه بیشتر کشاورزی، شدت یافتن رشد نامتوازن و شکاف بین بخشهای اقتصادی را فراهم ساخت؛ از این رو، در مدل انتخابی دو متغیر اختلاف درآمدهای انتظار شهری - روستایی و اعتبارات تخصیصی صنعت - کشاورزی را مد نظر قرار داده‌ایم.

تمامی شواهد، گواه این است که درآمدهای انتظاری شهری ناشی از اشتغال در بخشهای ساختمانی و خدمات، باعث افزایش انگیزه مهاجرت روستاییان به شهرها

شده؛ زیرا در روستاها اکثر روستاییان را قشرهای کم زمین یا بدون زمین تشکیل می‌داد؛ از این رو، جاذبه درآمدهای بالاتر شهری باعث مهاجرت آنان می‌گردد.

مقایسه درآمد خانوار روستایی و شهری می‌تواند توجیه کننده مهاجرت روستایی باشد. به عنوان نمونه، درآمد متوسط سالانه یک خانوار کشاورز در سال ۱۳۵۸ حدود ۲۱۳ هزار ریال بوده است، در حالی که درآمد خانوارهای شهری در همین سال حدود ۵۰۰ هزار ریال، یعنی حدود ۲/۵ برابر درآمد خانوارها روستایی بوده است. جالب توجه اینکه درآمد خانوارهای شهری که در بخش خدمات اشتغال داشته‌اند، بخصوص خدمات مالی، مستغلات و کسب و کار، تا حدود ۹۰۰ هزار ریال افزایش می‌یابد. بدین ترتیب حتی کم درآمدترین گروه خانوارهای شهری که کارگران بخش ساختمانی هستند و عموماً مهاجرین روستایی در این طبقه جای می‌گیرند، درآمدی بیش از درآمد یک خانوار کشاورز روستایی دارند (حدود ۱/۵ برابر)<sup>(۱)</sup>. یکی از مهمترین عوامل این اختلاف، افزایش بسیار سریع دستمزدها در بخش خدمات و صنعت در مقایسه با بخش کشاورزی است. اگر تورم و وجود فرصتهای شغلی پر زحمت - شاید کمتر کاری به سختی کارهای طاقت فرسای کشاورزی باشد - به این عوامل اضافه شود، انگیزه حرکت از روستا به شهر افزایش می‌یابد.

#### امکانات رفاهی فزاینده در مناطق شهری

یکی دیگر از علل موثر در مهاجرت روستا به شهر (در پیش از انقلاب و پس از انقلاب اسلامی) وجود اختلاف امکانات رفاهی شهری و روستایی است که به عنوان یکی از عوامل اساسی اجتماعی مهاجرت روستاییان به شهرها به شمار می‌رود. جدول ۱-۵ این واقعیت را بخوبی نشان می‌دهد که چگونه در سالهای پس از افزایش قیمت نفت، بر میزان سرمایه گذاریهای زیر بنایی و ایجاد امکانات رفاهی در مناطق شهری نسبت به روستاها افزوده شد؛ به طوری که، در سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۸ و ۱۳۶۱ به ترتیب ۷۹/۵، ۸۷/۸، ۹۲/۲ درصد از خانوارهای شهری از آب لوله کشی بهره مند بوده‌اند، در حالی که

سهم خانوارهای روستایی معادل ۱۱/۷، ۱۹/۹، ۳۲/۱ درصد بوده است.

جدول ۱-۵ درصد خانوارهای شهری و روستایی استفاده کننده از تسهیلات کالاهای

با دوام

سال	۱۳۵۶		۱۳۵۸		۱۳۶۱		۱۳۶۲		۱۳۶۳	
تسهیلات	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی
آب لوله کشی	۷۹/۵	۱۱/۷	۸۷/۸	۱۹/۹	۹۲/۲	۲۳/۱	۴۲/۵	-	-	۴۴/۹
برق	۹۱/۶	۱۶/۲	۹۷	۲۷/۷	۹۹/۱	۴۱/۵	۵۱/۶	-	-	۵۷/۸
تلفن	۱۶/۲	۱۰/۴	۱۵/۴	۰/۳	۲۱	-	-	-	-	-
حمام	۳۱/۶	۱/۲	۴۰/۲	۲/۸	۴۵/۵	-	۴۹/۷	-	۵۳/۲	-
رادیو	-	-	-	-	۷۸/۶	۶۲/۸	۷۷/۴	۵۹/۸	۷۶/۴	۵۸/۷
تلویزیون	-	-	-	-	۷۰/۴	۱۸/۲	۷۴/۲	۲۲	-	۲۵/۸
یخچال	-	-	-	-	۸۳/۲	۲۸/۲	۸۳/۵	۳۲	۸۹/۲	۳۶/۵
اجاق گاز	-	-	-	-	۷۸/۸	۲۹/۵	۸۰/۶	۴۲/۹	۸۳	۴۶/۶

منبع: سازمان برنامه و بودجه و مرکز آمار ایران، ۱۳۶۳-۱۳۶۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طی سالهای پس از پیروزی انقلاب، فعالیتهایی که از طرف نهادهای انقلاب اسلامی در جهت رفع استضعاف از مناطق محروم کشور صورت گرفت، باعث شد درصد بهره مندی از تسهیلات زندگی نسبت به سال ۱۳۵۶ به طور قابل توجهی افزایش یابد؛ برای مثال، درصد خانوارهای بهره مند از برق در محل سکونت خود، از ۱۷ درصد در سال ۱۳۵۶، به ۴۵/۵ درصد در سال ۱۳۶۱ افزایش یافت و ارقام مشابه در زمینه آب لوله کشی، از ۱۳ درصد به ۳۵/۷ درصد رسید. این درصدها طی سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۳ نیز افزایش یافته است (تغییرات درصدی سایر موارد را در جدول ۱-۶ می توان ملاحظه کرد).

در مناطق شهری نیز درصد خانوارهای بهره مند از تسهیلات، طی همین سالها افزایش یافته است (جدول ۱-۶)، لیکن این افزایش در مقایسه با مناطق روستایی دارای

رشد بالایی نبوده است.

### امکانات فرهنگی

علاوه بر عوامل اقتصادی دفع کننده روستایی و جذب کننده شهری، یکی دیگر از عواملی که مهاجرت روستاییان به شهرها را در پی داشت، نارساییهای آموزش و پرورش بود. این عامل باعث شد تا بسیاری از دانش آموزان که دوران تحصیلات ابتدایی را در دهستانهای نزدیک گذرانده بودند، برای ادامه تحصیل به شهرهای نزدیک بروند. این مسأله قبل از انقلاب اسلامی به سبب باز شدن بازار روستایی بر روی سرمایه داران وابسته و ورود اجناس خارجی مثل تلویزیون به مناطق روستایی، باعث شد الگوی مصرف در مناطق روستایی، کاملاً متحول گردد و تبلیغات همه جانبه‌ای برای تغییر تصورات روستاییان و از بین بردن علقه‌های روستایی صورت گیرد و در پی آن، بر سرعت حرکت روستاییان به سوی شهرها و سکونت در آن افزوده شود. از طرف دیگر، اعطای تسهیلات و وامهای بلاعوض به شهرنشینها در شهرها و وعده دادن مسئولین برای واگذاری زمین در مناطق شهری، بر جاذبه مناطق شهری افزود.

نتیجه تمامی عوامل دفع کننده روستایی و جذب کننده شهری تشدید مهاجرت روستاییان به شهرها و وخامت اوضاع اقتصادی است.

### فهرست منابع

۱. رزاقی، ابراهیم؛ "اقتصاد ایران"؛ تهران، نشر نی، ۱۳۶۷.
۲. زنجانی، حبیب‌الله؛ "مهاجرت‌های داخلی ایران"؛ تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۳. سازمان برنامه و بودجه؛ "سیمای نیروی انسانی و اشتغال در ایران"؛ تهران، مهر ۱۳۵۷.
۴. سالنامه آماری کشور سالهای ۱۳۴۵ الی ۱۳۶۵؛ مرکز آمار ایران.
۵. "قیمت فروش سرخرمن محصولات کشاورزی و هزینه خدمات در مناطق روستایی کشور"؛ مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۶۴.

6. Bhalla, A.S., "Rural - Urban Disparities in India & China", World Development, Vol 18, No. 8, PP. 1097-1110, 1990.
7. Connel, J., et al, "Migration form Rural areas: The evidence from village studies", N.Y., Oxford University Press, 1976.
8. Fields, G., "Rural - Urban migration, Urban Unemployment & Underdevelopment, & Job search activity in LDC's Jour. Deve Econ., Vol.2, PP. 165 - 187, 1975
9. Lele, V., "Structural adjustment, agricultural development & the poor: Some lesson from the Malawian experience", World Development Vol.18, No.9, PP. 1207-1219, 1990.
10. Mazumdan D., "The Rural - Urban wage gap, migration & the shadow wage", Oxford Economic Papers, Vol. 28, 1976.